

مفاتيح العلوم

تفسير فاتحة الكتاب

امام فخر رازی

ترجمہ

تعلیقہ، تحقیق، مقدمہ:

سید جواد ہاشمی نژاد

سرشناسه: فخر رازی، محمد بن عمر، ۵۴۴ - ۶۰۶ ق.
 عنوان قراردادی: مفاتیح الغیب. فارسی. برگزیده
 عنوان و نام پدیدآور: تفسیر فاتحه الکتاب / فخر رازی؛ ترجمه، تعلیف، تحقیق، مقدمه جواد هاشمی نژاد.
 مشخصات نشر: قم: فکر آوران، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری: ۸۴۸ ص.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۹۶-۶۳-۹
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 یادداشت: کتاب حاضر ترجمه برگزیده‌ای از کتاب «مفاتیح الغیب» امام فخر رازی است.
 یادداشت: بالای عنوان: مفاتیح العلوم.
 موضوع: تفاسیر (سوره فاتحه)
 موضوع: تفاسیر اهل سنت -- قرن ۶ ق
 شناسه افزوده: هاشمی نژاد، جواد، ۱۳۳۹ -، مترجم
 رده‌بندی کنگره: BP ۹۴/۵ ف ۳ م ۷۰۴۲۱۸ ۱۳۸۹
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۲۴۴۰۲

تفسیر فاتحه الکتاب

مؤلف: امام فخرالدین رازی
 مترجم: سید جواد هاشمی نژاد
 قطع: وزیری ۸۴۸ صفحه
 نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۸۹
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 ناشر: انتشارات فکر آوران
 چاپ: اسراء
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۹۶-۶۳-۹
 مراکز نشر: ایران، قم، چهار راه شهدا - بوستان کتاب، ۲۵۱۷۷۴۲۱۵۵-۰۰۹۸
 ایران، قم، انتشارات ارمغان طوبی، ۲۵۱۷۷۳۷۳۶۷-۰۰۹۸
 استرالیا، مرکز اسلامی نبی اکرم ﷺ، ۲۸۶۷۷۹۶۰۹-۰۰۶۱
 استرالیا، سیدنی، ح. ح، ۴۱۲۵۰۵۴۶۴-۰۰۶۱
 کانادا، تورنتو، جامعه اسلامی، ۴۱۶۷۵۷۲۵۵۳-۰۰۱
 صاحب اثر: ۹۳۵۵۶۳۲۲۱۴-۰۰۹۸

مفاتيح العلوم

تفسير فاتحة الكتاب

امام فخر رازی

ترجمہ

تعلیقہ، تحقیق، مقدمہ:

سید جواد ہاشمی نژاد

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۹
ضرورت ترجمه.....	۱۹
دوم: ویژگی‌های این ترجمه.....	۲۴
روش کار.....	۲۸
یادآوری.....	۳۰
سپاسیه.....	۳۰
نگاهی به زندگی و اندیشه و آثار فخررازی.....	۳۳
شرح حال فخر رازی.....	۳۳
نگاهی به عصر او.....	۳۴
ری؛ زادگاه رازی.....	۴۱
ری در دوره اسلامی.....	۴۳
خاندان و نیاکان رازی.....	۴۵
استادان.....	۴۷
سفر به مشرق اسلامی.....	۵۳
جاذبه خوارزم.....	۵۳
شکوه بخارا.....	۵۴
خاطرات علمی رازی.....	۵۶
حشمت و شکوه شاهانه در بامیان و غور و هرات.....	۵۹
رازی و تصوف.....	۶۲
رازی و تشیع.....	۶۴
غروب مشرقی.....	۶۹
عنایت وی به اهل بیت علیهم‌السلام به روایت مرحوم آیت الله معرفت.....	۷۱

۷۵	امام المشککین
۷۷	دانش و آثار او
۸۰	مراحل تاریخی تدوین تفسیر
۸۳	جایگاه و منزلت تفسیر کبیر
۹۱	پیوستها
۹۱	ترجمه فارسی نامه شهاب الدین عمر سهروردی به امام رازی
۹۴	نامه ابن عربی به رازی
۱۰۰	نمونه‌ای از اشعار امام رازی
۱۰۲	وصیتنامه امام رازی
۱۰۲	نصّ وصیت
۱۰۶	منابع و مآخذ مقدمه، شرح حال

تفسیر فاتحه الکتاب / ۱۰۷

۱۱۱	مقدمه
۱۱۱	آموزه‌های فاتحه
۱۱۲	تفسیر اجمالی استعاذه
۱۱۷	تفسیر اجمالی سورة فاتحه
۱۱۷	تفسیر بسمله
۱۱۸	نعمت‌های بی‌شمار خداوند
۱۲۰	انواع جهان و امکان وجود جهان‌های دیگر
۱۲۲	گونه‌های رحمت نامتناهی خداوند
۱۲۵	احوال آخرت
۱۲۶	عبادت، تکلیف، شریعت، اخلاق، سیاست
۱۳۷	کتاب نخست: استعاذه
۱۳۹	بخش اول: نکات ادبی (معناشناسی)
۱۳۹	اشتقاق یا روش ریشه‌یابی کلمات
۱۴۲	تفسیر کلمه
۱۴۳	[کاربرد مجازی کلمه]
۱۴۴	کلمه الله
۱۴۵	تفسیر قول

تفاوت کلمه و کلام.....	۱۴۹
بحث فقهی در طلاق (ثمر فقهی اختلاف کلمه و کلام).....	۱۵۰
استعمال کلام بر مهمل.....	۱۵۲
آیا صداهاى طبیعى، کلام است؟.....	۱۵۲
کاربرد «قول» در غیر نطق.....	۱۵۴
کلام لفظی و کلام نفسی.....	۱۵۵
تعریف کلمه.....	۱۵۷
اقسام مهمل و مستعمل.....	۱۵۷
تقسیم دیگر لفظ مستعمل.....	۱۵۸
ذاتی نبودن دلالت لفظ بر معنی.....	۱۶۰
الهامی بودن زبان‌ها.....	۱۶۱
تبادر معنی از لفظ.....	۱۶۳
دلالت الفاظ بر معانی ذهنی.....	۱۶۳
ذهنی بودن معنا.....	۱۶۵
حکمت وضع الفاظ.....	۱۶۶
ارزش ذاتی حق و خیر.....	۱۶۷
کلام لسانی.....	۱۶۸
کلام نفسی و ذهنی.....	۱۶۹
مدلولات الفاظ.....	۱۷۰
رامه‌ای شناخت لغات.....	۱۷۰
تواتر در لغات.....	۱۷۱
ظنی بودن دلالت الفاظ بر معانی.....	۱۷۳
حدوث صوت [و تعریف سینوی آن].....	۱۷۴
جسمانیت صوت.....	۱۷۴
تعریف [سینوی] حرف.....	۱۷۵
حروف «مد» و «لین».....	۱۷۶
حدوث و قدم کلام.....	۱۷۷
وصف کلام الله به قدیم.....	۱۷۹
صداهایی که به آن قرائت می‌کنیم سخن خدا نیست.....	۱۷۹
اختلاف حشویه و اشعری در صفت قرآن.....	۱۸۱

۱۸۳	تبیین اقسام کلمه
۱۸۴	کلمه: اسم، فعل و حرف
۱۸۷	تعریف اسم
۱۹۰	نشانه‌های اسم
۱۹۰	تعریف‌های فعل
۱۹۴	[تفاوت «هستی» و «استی»:]
۱۹۵	قیود وجودی فعل
۱۹۵	دلالت فعل بر فاعل مبهم
۱۹۶	اقسام جمله
۱۹۹	انواع اسم
۱۹۹	احکام اعلام
۲۰۰	حکمت وضع اعلام
۲۰۱	اقسام اعلام: اسم، لقب، کنیه
۲۰۲	راز وضع کنیه
۲۰۳	تقسیم دوم اعلام
۲۰۳	تقسیم سوم اعلام
۲۰۴	تقسیم چهارم اعلام
۲۰۵	تقسیم پنجم اعلام
۲۰۶	احکام اسم جنس
۲۰۷	احکام اسماء مشتق:
۲۱۶	اقسام سه گانه اعراب
۲۱۷	اصول اعراب
۲۱۸	انواع اسم معرب
۲۱۸	سبب منع صرف
۲۲۵	سرّ ارتفاع فاعل و انتصاب مفعول
۲۲۶	انواع مرفوعات و اصل آن
۲۲۷	انواع مفعول
۲۲۸	عامل نصب در مفاعیل
۲۲۹	باب هفتم: اعراب فعل
۲۲۹	وجوب تقدیم فعل

۲۳۰	رابطه فعل با فاعل
۲۳۱	اضمار قبل از ذکر
۲۳۲	اظهار فاعل و اضمار آن
۲۳۳	حذف فعل در برخی موارد
۲۳۳	تنازع دو فعل در عمل
۲۳۷	بخش دوم: تفسیر اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
۲۳۹	زمان استعاذه
۲۴۲	حکم استعاذه
۲۴۳	استعاذه در نماز
۲۴۴	آهسته و بلند خواندن استعاذه
۲۴۴	استعاذه در هر رکعت
۲۴۵	عبارات استعاذه
۲۴۶	استعاذه برای نماز یا قرائت؟
۲۴۷	سنت در قرائت
۲۴۸	قرآن با صدای خوش [بلند خواندن قرآن]
۲۴۸	بیان وجوه همسانی
۲۵۰	عدم جواز نماز به قرائت شاذ
۲۵۲	رکن اول: استعاذه و مسائل آن
۲۵۵	تفسیر استعاذه
۲۵۷	ماهیت استعاذه
۲۵۹	[عجز علمی و عملی انسان]
۲۶۱	اما شواهد عجز علمی
۲۶۳	استعاذه و مذهب جبری‌گری
۲۶۶	پاسخ اهل سنت و جماعت به اشکالات
۲۶۷	استعاذه و ابطال نظریه اختیار (قدریه)
۲۶۹	رکن دوم؛ مستعاذ به (کلمات استعاذه)
۲۷۱	رکن سوم؛ مستعید (پناهنده)
۲۷۱	استعاذه انبیاء در قرآن
۲۷۵	استعاذه در اخبار
۲۷۹	رکن چهارم؛ المستعاذ منه: «شیطان»

۲۷۹	اختلاف در وجود جن
۲۸۲	دلایل منکرین جن و شیاطین
۲۸۴	پاسخ به شبهات
۲۸۸	دلیل وجود جن از قرآن
۲۸۸	الف. آیات قرآن:
۲۸۹	ب. اخبار:
۲۹۲	خلقت جن از آتش
۲۹۲	سبب نام گذاری جتیان به «جن»
۲۹۳	گروه های مکلفین
۲۹۳	تسلط جتیان بر آدمیان
۲۹۵	صفت فرشتگان
۲۹۵	وسوسه شیطان
۲۹۶	تحقیقی پیرامون «وسوسه»
۲۹۸	تحقیق کلام غزالی
۳۰۲	تنوع خاطره ها
۳۰۲	نقد سخن فیلسوفان
۳۰۵	غیب دانی «جن»
۳۰۵	رکن پنجم: اسباب و انواع استعاذه
۳۱۲	نشانه های گرانمایگی دل
۳۲۲	مباحث عقلی «باء» در «اعوذ بالله» فراوان است:
۳۲۶	چند مسئله از اصول فقه:
۳۲۹	نوع چهارم: از مباحث این باب

کتاب دوم: تسمیه (أسماء، حسنی)

تبیین علوم «بسم الله الرحمن الرحيم» / ۳۳۱

۳۳۳	«متعلق بآء بسملة»
۳۳۸	باب دوم: مسائل مربوط به قرائت و کتابت بسمله
۳۳۸	بخش نخست: قرائت و مباحث فراوان آن
۳۳۸	وقف بر کلمات بسمله

۳۳۸	حکم لام الجلاله
۳۴۰	حکم ادغام
۳۴۰	نکته ذوقی
۳۴۱	مد «لام جلاله»
۳۴۱	حکم لام تعریف
۳۴۲	بخش دوم: مسائل مربوط به خط
۳۴۲	قرائت و کتابت بسمله
۳۴۳	نکته ذوقی
۳۴۶	باب سوم: مباحث اسم
۳۴۶	بخش اول: مسائل مباحث ثقلی
۳۴۶	لغات اسم
۳۴۷	اشتقاق اسم
۳۴۸	بخش دوم: مسائل عقلی اسم
۳۵۱	دلیل قائلین وحدت اسم و مسمی
۳۵۲	وضع اسم، پیش از فعل
۳۵۳	تقدم وضعی اسم جنس، بر مشتق
۳۵۳	گونه‌های اسم و مسمی
۳۵۴	اسماء الله
۳۵۵	ذات ناشناختنی
۳۵۷	ناتوانی خرد در شناخت خدا
۳۵۸	راه‌های شناخت
۳۶۰	اسم أعظم «الله»
۳۶۳	باب چهارم: بررسی نام‌های نشانگر صفات حقیقی
۳۶۳	بخش نخست: مسائل أسماء نشانگر وجود
۳۶۳	تسمیة خداوند به شیء
۳۶۷	اطلاق لفظ «موجود» بر خداوند
۳۶۹	معنای «ذات الله»
۳۷۱	اطلاق واژه نفس بر الله
۳۷۶	واژه شخص
۳۷۷	واژه «نور»

۳۸۳	واژه صورت
۳۸۵	واژه «جوهر» بر خداوند
۳۸۶	ناروایی اطلاق «جسم» بر خداوند
۳۸۷	واژه «انیت»
۳۸۷	واژه «ماهیت»
۳۸۷	واژه «حق»
۳۸۸	بخش دوم: اسماء نشانگر کیفیت هستی
۳۸۸	ازلیت خداوندی
۳۸۹	بقاء خداوندی
۳۹۰	تفسیر اسماء الله
۳۹۰	اسم «قدیم»
۳۹۰	اسم «أزلی»
۳۹۰	بی‌آغازی او
۳۹۱	اسم «آیدی» و «سرمدی»
۳۹۲	اسم «مستمر»
۳۹۲	اسم «ممتد»
۳۹۲	اسم «باقی»
۳۹۳	اسم «الدائم»
۳۹۳	واجب الوجود
۳۹۴	اسم «خدای»
۳۹۴	اسم «کائن»
۳۹۹	بخش سوم: گونه‌های صفات حقیقی
۳۹۹	گونه نخست: صفت مغایر با وجود و مذهب منکران آن
۴۰۳	دلایل مثبتین صفات
۴۰۵	صفت حیات
۴۰۶	اسم الهی «حی»
۴۰۷	باب پنجم: اسماء «صفات اضافی»
۴۰۹	اقسام صفت اضافی
۴۱۱	نکات دقیق
۴۱۳	باب ششم: اسماء مربوط به صفات سلبی

باب هفتم: اسماء نشانگر صفات حقیقی با اضافی.....	۴۱۸
پیرامون «اراده» و مانند آن:.....	۴۲۴
تفاوت کبریائی و عظمت.....	۴۲۸
اسماء مضمرة.....	۴۳۱
درجات حضور و قرب.....	۴۳۳
رازهای عرفانی واژه «هو».....	۴۳۴
سخن غزالی در توحید خواص:.....	۴۴۴
باب هشتم: مباحث پایانی اسماء الله.....	۴۴۶
«توقیفی بودن اسماء».....	۴۴۶
استدلال نظریه توقیف.....	۴۴۶
دلیل نظریه اصطلاحی بودن اسماء:.....	۴۴۷
ضابطه اطلاق صفات بر خداوند.....	۴۴۹
اسماء بی شمار خداوند.....	۴۵۰
حکم اذکار کتب طلسمات:.....	۴۵۱
(مناسبات اسماء و ارواح).....	۴۵۳
تفاوت ارواح.....	۴۵۳
باب نهم: درباره مباحث مربوط به واژه «الله».....	۴۵۵
اشتقاق واژه جلالة الله:.....	۴۵۵
شواهد و ادله این نظر:.....	۴۵۵
ادله نظریه عدم علمیت «الله».....	۴۵۷
معانی «إله».....	۴۵۸
تفاسیر هشتگانه إله.....	۴۶۱
احتجاب به حق و حجاب خلق.....	۴۶۴
لطائف:.....	۴۶۷
اصل لفظ جلالة:.....	۴۶۹
خواص لفظ جلالة.....	۴۷۱
باب دهم: بحثی در «الرحمن الرحیم».....	۴۷۳
رحمانیت و یوه خدا است.....	۴۷۶
از مهر غیر تا مهر او.....	۴۷۷
باب یازدهم: نکاتی از «بسم الله الرحمن الرحیم».....	۴۷۹

۴۷۹ اشارات بسم الله:

کتاب سوم: تحمید / ۴۹۱

۴۹۱	تفسیر فاتحه الكتاب ونام های آن
۴۹۱	تبیین معارف «الحمد لله رب العالمین...»
۴۹۳	باب اول: نام های فاتحه و اسرار آن ها
۴۹۳	اول: «فاتحه الكتاب»
۴۹۳	دوم: سوره «حمد»
۴۹۳	سوم: «أم القرآن»
۴۹۸	نام پنجم: «وافیه»
۴۹۸	نام ششم: «کافیه»
۴۹۸	نام هفتم: «اساس»
۴۹۹	نام هشتم: «شفاء»
۴۹۹	نام نهم: «صلاة»
۴۹۹	نام دهم: «سؤال»
۵۰۰	نام یازدهم: «سوره شکر»
۵۰۰	نام دوازدهم: «سوره دعاء»
۵۰۱	باب دوم: فضائل سوره حمد
۵۰۱	کیفیت نزول آن:
۵۰۳	بیان فضیلت آن
۵۰۶	باب سوم: مسائلی در اسرار عقلی سوره فاتحه
۵۰۶	اسرار فاتحه
۵۰۷	معانی لطیف
۵۰۸	(شرح این معنی به بیان دیگر)
۵۱۰	دلالت رب العالمین بر تنزیه ذات
۵۱۱	نزاهت ذات از حلول
۵۱۱	موجب بالذات یا فاعل مختار؟
۵۱۲	(نشانه علم و حکمت)
۵۱۲	پاسخ پرسش دوم: استحقاق ثناء
۵۱۳	(منازل عبودیت)

۵۱۴	لطایف صراط
۵۱۴	صراط عقاید:
۵۱۴	صراط اعمال
۵۱۵	شیخ راهنما
۵۱۶	تبیین لطائف این سوره از منظر دیگر
۵۱۸	مقام شریعت، طریقت، حقیقت
۵۱۸	پیوند ارواح:
۵۱۹	«تبیین لطائف این سوره از منظر دیگر»
۵۲۳	باب چهارم: فقه الفاتحه
۵۲۳	(وجوب قرائت)
۵۲۴	ادلّه ما بر وجوب قرائت:
۵۳۳	ادلّه ابوحنیفه
۵۳۵	مقدار قرائت
۵۳۵	قرائت «بسم الله الرحمن الرحيم»
۵۳۹	دلائل این نظر
۵۴۹	دلائل مخالفین:
۵۵۰	وجوه جواب از دلیل نخست:
۵۵۲	عدد آیات سوره حمد
۵۵۵	چهر به «بسم الله در نماز»
۵۵۹	دلائل مخالفین
۵۶۱	و اما آن سه روایت مناقض:
۵۶۱	وجوه ترجیح
۵۶۳	فروع تسمیه
۵۶۷	ترجمه قرآن:
۵۶۹	اما دلایل قرآن نبودن ترجمه فارسی:
۵۷۷	دلائل ما: (قول جدید شافعی)
۵۸۱	دلائل ابوحنیفه:
۵۸۴	فروع مربوط به اشتراط فاتحه در نماز:
۵۸۷	باب پنجم: تفسیر فاتحه الكتاب
۵۸۷	بخش اول: تفسیر تفصیلی

۵۸۷	فصل اول: تفسیر الحمد لله.
۵۸۹	امتیاز «الحمد لله» از «أحمد الله»:
۵۹۱	معنی «لام» در «الحمد لله»:
۵۹۲	رهیافت عقل:
۵۹۴	(عجز انسان در ستایش او)
۶۰۴	دلایل معتزله:
۶۰۵	«شکر منعم»:
۶۰۵	صور بیان آن:
۶۰۶	معنی حمد:
۶۰۶	تکلیف به حمد:
۶۰۷	فصل دوم: در فوائد تفسیری «رب العالمین»:
۶۰۷	اقسام عالم و انواع آن.
۶۱۵	فصل سوم: درباره فوائد تفسیری الرحمن الرحیم:
۶۱۵	تفسیر (الرحمن الرحیم)
۶۲۲	فصل چهارم: فوائد تفسیری «مالک يوم الدين»:
۶۲۲	تفسیر مالک يوم الدين
۶۲۳	رعایت حق الناس:
۶۲۶	الف: احکام متفرع بر «مَلِك»:
۶۳۴	فصل پنجم: در فوائد تفسیری «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»:
۶۳۴	معنی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ...»:
۶۳۸	پرستش و قدرت:
۶۴۰	تطبیق فاتحه بر تسبیحات:
۶۴۹	درجات عبادت:
۶۵۰	دلایل شرافت عبودیت:
۶۵۴	سر التفات از غیبت به خطاب و تشریف حضور:
۶۵۵	فصل ششم: تفسیر «و إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»:
۶۵۵	الف) وجوه عقلی:
۶۵۶	ب. دلایل نقلی:
۶۵۹	فصل هفتم: معنی «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»:
۶۶۶	فصل هشتم: فوائد تفسیر «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»:

معنی: صِرَطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ.....	۶۶۶
فصل نهم: معنی غیر المغضوب علیهم و لا الضالین.....	۶۷۲
عصمت انبیا و فرشتگان.....	۶۷۳
حقیقت غضب.....	۶۷۳
قاعده راه گشا.....	۶۷۴
بخش دوم: تفسیر سوره به نگاه جامع.....	۶۷۷
فصل اول - اسرار عقلی استنباط شده از این سوره:.....	۶۷۷
رابطه مراتب معرفت با مراتب دعا.....	۶۷۹
فصل دوم: مداخل شیطان.....	۶۸۱
نتایج: مداخل شیطان.....	۶۸۲
هفت آیه در برابر هفت شاخه.....	۶۸۴
فصل سوم: جامعیت فاتحه نسبت به همه نیازهای معرفتی انسان.....	۶۸۵
شیوه تکامل:.....	۶۸۸
فصل چهارم: تقسیم نماز بین او و بنده اش.....	۶۸۹
لطایف و اشارات حدیث قدسی:.....	۶۹۰
[سرّ جبر و تفویض].....	۶۹۶
فصل پنجم: نماز: معراج عارفان.....	۷۰۱
تحفه سفر معراج.....	۷۰۳
فصل ششم: کبریا و عظمت.....	۷۰۹
[مراتب طهارت].....	۷۱۱
فصل هفتم: لطائف الحمد لله و فوائد اسماء پنج گانه آن.....	۷۱۸
فوائد پنج گانه.....	۷۲۱
فصل هشتم: اشتمال «بسم الله الرحمن الرحیم» بر اسماء سه گانه.....	۷۲۶
سبب شمول: در این جا وجوهی است:.....	۷۲۶
فصل نهم: سبب اشتمال فاتحه بر اسماء خمسہ:.....	۷۲۸
فصل دهم: پایان بحث.....	۷۳۰

پیشگفتار

ضرورت ترجمه

دعوت آسمانی و رسالت جهانی اسلام در آغاز به مسلمانان، منزلت آموزگاری بخشید. آنان پیش از آنکه خود را نیازمند بهره‌گیری از دانش و تجربه بشری بیابند خویش را مسئول آموزش و پرورش اخلاقی بشر دانستند؛ بدین‌رو آنان، پیش از نهضت ترجمه آثار، علوم و فنون ملت‌های دیگر - به جهت توسعه دعوت اسلام به بیرون از حوزه عربی^(۱) و پیوستن تعدادی از مؤمنان ملت‌های دیگر در حلقه یاران نبی ﷺ^(۲)، رفت و آمد «وفد»‌های فراوان به مدینه‌النبی و ارسال سفرا با پیام‌های مکتوب پیامبر به سران دولت‌ها^(۳) - ضرورت ترجمه را دریافتند.^(۴)

۱. مانند هجرت گروهی از یاران نبی ﷺ از مکه به حبشه و گفت‌وگوی حضرت جعفر بن ابی‌طالب با پادشاه حبشه.

۲. مانند سلمان فارسی، بلال حبشی، صهیب رومی و برخی از همسران پیامبر ﷺ مانند ماریه. منابع تاریخی و سیره از سخن گفتن خود پیامبر به زبان‌های فارسی و حبشی و توانایی او به گویش‌های مختلف یاد نموده‌اند، رجوع شود به مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۱۳.

۳. مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۳۰، به نقل از طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۲۵۸؛ «در یک روز شش نامه به پادشاهان نوشت که آنان را به اسلام دعوت نمود، در یک روز شش نفر برای رساندن این نامه‌ها از مدینه بیرون شدند، که هر یک به زبان ملتی که به سوی آن فرستاده شده بود سخن می‌گفت».

۴. ر.ک: تاج التراجم، اسفرائینی، ج ۱، ص ۷.

از گزارش تأثیر فراوان این ترجمه‌ها بر مخاطبین مانند نجاشی و غیر او دانسته می‌شود که مترجمان نخستین با مهارت و توانایی زیادی به کار ترجمه می‌پرداخته‌اند.^(۱)

اگر ترجمه آیات آغازین سوره مریم توسط جعفر بن ابی طالب علیه السلام را در دربار پادشاه حبشه به زبان «امهری حبشی» آغاز حرکت ترجمه قرآن کریم بدانیم، ترجمه سوره فاتحه توسط سلمان فارسی به درخواست فارسی زبانان تازه مسلمان و تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله^(۲)، آغازی مبارک برای جریان مفاهیم قرآن و وحی در بستر ادب و زبان پارسی می‌باشد.

با گسترش حوزه اسلامی و افزایش نیاز ملت‌های تازه مسلمان به ویژه اکثریت پارسی زبان به فهم معانی قرآن، برخی فقه‌های بزرگ از ائمه مذاهب، مانند امام ابوحنیفه^(۳) ترجمه پارسی قرآن را از جهت منزلت، برابر متن عربی آن دانسته و فتوا

۱. از مترجم قرآن کریم به زبان هندی، به درخواست «مهروق» امیر «روره» از ایالت سند نقل شده است: «به تفسیر سوره یس رسیدم، وقتی آیه «قَالَ مَنْ يُحْيِي الْمَيِّتَ وَ مِنْ رِزْمٍ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ» را خواندم و آن را برای او به زبان سانسکریت ترجمه نمودم به زمین افتاده و گونه خود را روی زمین که نمناک بود نهاد، به طوری که گونه‌اش خیس شد، در حالی که گریه می‌کرد گفت: این همان خدای معبود است که هیچ چیزی همانند او نیست. او مخفیانه مسلمان شده و در یک اطاق، پنهانی خدا را عبادت می‌کرد.» تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۴۳، به نقل از مجله التوحید الاسلامی، سال دوم، شماره ۹، ص ۲۱۶، نیز عجائب الهند.

۲. سرخسی، المبسوط، ج ۱، ص ۳۷ این روایت را آورده است: «فارسی‌زبانان به سلمان فارسی نامه نوشتند و از او خواستند سوره فاتحه را برای آنان به فارسی بنویسد، و آنان همان را در نماز خود خواندند، تا زبانشان به عربی روان گشت» تاج الشریعة حنفی آورده است که «ترجمه فارسی‌اش را به پیامبر صلی الله علیه و آله نشان داد» ر.ک: حاشیه الهدایه، ج ۱، ص ۸۶؛ معجم مصنفات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۲.

۳. نعمان بن ثابت بن زوطی (۸۰ - ۱۵۰ ه.ق) جدش زوطی در کابل و به قولی در نسا بوده و با وجود تقویت و تأییدی که بنی عباس از وی می‌نمودند به علویان تمایل داشت...؛ دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۵، ص ۹۲.

به جواز خواندن نماز به پارسی در حال اختیار، دادند^(۱)؛ هر چند این نظر که پاسخ به نیاز زمان بود، در خصوص نماز، مقبول خاطر فقهای دیگر قرار نگرفت^(۲) ولی از اهمیت فراوان برگردان قرآن کریم به خصوص سوره مبارکه حمد به زبان پارسی، در عصر نخست خبر می دهد.

با توسعه علوم قرآن و ظهور تفسیرهای گرانسنگ مانند *روض الجنان*، *کشف الأسرار*، *تفسیر نسفی*، *ینابیع العلوم* *آندخونی*، *بصائریمینی* به زبان پارسی^(۳) و آغاز نهضت برگردان متون تفسیری به فارسی با فرمان حکومت ادب پرور سامانیان و فتوای جمعی از علمای برجسته بلخ، بخارا و سمرقند در قرن چهارم تا قرن هفتم کتابخانه های اسلامی از جهت آثار ارزشمند فارسی در علوم قرآنی غنا یافت.

ولی پس از آن با آغاز دوره انحطاط، همراه با توقف علوم و بازااستادن دانش تفسیر از نوآوری، کار ترجمه متون علمی نیز از شتاب بازااستاد؛ کتابخانه های فارسی از گنجینه ای عظیم چون تفسیر کبیر، که در همه اعصار کانون توجه مفسران بوده، تهی گشت و در محیط فارسی زبانان (شرق اسلامی) ناشناخته ماند.^(۴)

اما این انحطاط و واماندگی، در سرزمینی که اینک تربیت این دانشوران را در برگرفته و در گذشته گهواره دانش و هنر آنان بوده، بس دردناکتر از همه جا رخ داد؛ غزنه و هرات و بلخ و بخارا... که هم اکنون «خَاوِیَّةٌ عَلٰی عُرُوشِهَا» آیا همان گلستانی بوده است که روزگاری عنذلیب های خوش آوازی چون سنایی، خواجه عبدالله

۱. ر.ک: تفسیر و مفسران، به نقل از مغنی ابن قدامة، ج ۱، ص ۵۲۶.

۲. امام رازی مناقشات فراوانی دارد. ر.ک: تفسیر فاتحة الكتاب متن عربی تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۱۸۴.

۳. نجیب مایل هروی، مقدمه تاج التراجم، ج ۱، ص ۱۰.

۴. طبق گزارش استاد صالح زرکان، علی رغم وجود مختصرات و ملخصات فراوان تفسیر کبیر، غیر از ترجمه اردوی مولی خلیلی احمد اسرائیلی به نام «سراج المنیر» ترجمه دیگری وجود ندارد. ر.ک: الرازی و آرائه الکلامیة و الفلسفیة، ص ۶۴.

انصاری، مولوی... در آن نغمه‌سرایی داشتند! به سختی می‌توان باور نمود که اینجا همان سرزمینی است که راه‌های شرق و غرب اسلامی پراز کاروان دانشورانی بود که برای کسب دانش و استفاده از مدارس و کتابخانه‌های غنی و دانشمندان سترگ و پرآوازه آن در رفت و آمد بودند.

با این دغدغه‌ها و دل مشغولی هر «عُدُوْ وَاَصَال» سرانجام در خلال گفت و گویا دوست فرهیخته و دانشور جناب آقای مولوی زاده (که در میان مهاجران مسلمان ساکن ایالت غربی استرالیا روزگاری به تدریس و نشر علوم قرآنی اشتغال داشته) سخن از کمبود منابع فارسی تفسیر قرآن کریم به میان آمد، با تشویق ایشان و دوستان محفل قرآنی ایشان، تصمیم به ترجمه تفسیر کبیر گرفته شد. طی شش ماه، کار ترجمه بخش نخست کتاب (تفسیر سوره مبارکه حمد) به پایان رسید. علی‌رغم تشویق و معاضدت آن دوستان، نشر آن به دلایلی به تأخیر افتاد و در این خلال، استخراج منابع، پاورقیهای توضیحی و تحلیلی و مقدمه مبسوط به علاوه استخراج فهرس جامع و ارزیابی علمی و فنی اهل نظر چون مرکز پژوهشهای قرآن کریم، صورت گرفت. والحمدلله علی کل حال.

در این جا نکاتی را درباره شیوه کار یادآور می‌شویم:

- نخست: تناسب کار (ترجمه) و هدف (نشر معارف قرآنی مناسب با نیاز و اقتضای زمان) ایجاب می‌نمود که کار ترجمه و نشر در طی مراحل زیر صورت گیرد:
۱. نشر تفسیر فاتحه الكتاب (مفاتیح العلوم)^(۱) پیش از تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) و مستقل از آن به دلایل زیر:

۱. فخرالدین الرازی و آرائه الکلامیه و الفلسفیه، ص ۶۳. در وفيات الاعیان، ابن خلیکان، ج ۲، ص ۳۴۹ آمده است: «له التصانیف المفیده فی فنون عدیده منها تفسیر القرآن... و هو کبیر جداً و لکنه لم یکمله، و شرح سورة الفاتحة فی مجلده...». رک: اخبار الحکما، ص ۱۹۱؛ طبقات الأطباء، ج ۲، ص ۲۹؛ وصایة العارفين، ج ۲، ص ۱۵۷؛ کفای الطالب، ج ۱، ص ۴۵۴؛ منتها الانوار، ص ۱۱۲؛ انوار العارفین، ج ۱، ص ۱۱۲.

الف. به دلیل ویژگی سوره فاتحه و نیاز فراوان و مستمر مؤمنان به آن و تسهیل در کار خوانندگان علاقه‌مند به تفسیر این سوره مبارکه و به همین ملاحظه در مصر نیز به صورت مستقل نشر شده است.

ب. رعایت غرض اصلی تألیف: هر چند تفسیر سوره حمد اینک جزء نخست تفسیر کبیر می‌باشد، ولی مؤلف محترم، چنان‌که از مقدمه او بر تفسیر آشکار است آن را به صورت کتاب مستقل تدوین نموده است.^(۱) چنان‌که شارحان احوال و آثار او مانند ابن خلکان و قفطی و دیگران،^(۲) از تفسیر سوره فاتحه به نام «مفاتیح العلوم» در ردیف تفسیر کبیر «مفاتیح الغیب» نام برده و هیچ یک از وجود دو تفسیر برای سوره حمد (یکی در ضمن تفسیر کبیر و دیگری مستقل) سخن نگفته‌اند.

۲. تنظیم تفسیر کبیر به اسلوب نوین: با توجه به این‌که «تفسیر کبیر» افزون بر مطالب تفسیری گنجینه‌ای از علوم و فنون فراوان و متنوع می‌باشد، این تنوع و تطویل، از یک سو استفاده عموم را از آن دشوار ساخته، از سوی دیگر زبان مخالفان و خرده‌گیران را بر آن گشاده و آن را به دائرةالمعارف علمی شبیه‌تر دانسته‌اند تا تفسیر قرآن.^(۳) از این

۱. زیرا: اولاً فخر رازی در مقدمه مضافاً بر اینکه غرضش را تدوین کتاب تفسیر حمد و استنباط مسائل بی‌شمار از این سوره اعلام می‌کند، هیچ‌گاه از تفسیر کل قرآن کریم سخن به میان نیاورده است. ثانیاً او با تکثیر فروع، تمام مطالب را که مناسب می‌دیده به تفصیل گردآورده و هیچ مطلبی را به آینده در موضع خودش، احاله نمی‌کند و نیز مؤید کسانی است که می‌گویند او تفسیرش را به پایان نرسانده، زیرا فرصت تنظیم آن را نیافته و تفسیر به این عظمت از داشتن مقدمه و مبادی دانش تفسیر، بیان غرض و روش مؤلف در نگارش آن، محروم مانده است.

۲. در گزارش تفصیلی استاد صالح زرکان، نیز از مشخصات دیگری جزو نسخه خطی آن در بغداد (الأوقاف ۲۳۱۷-۲۳۶) نیامده است، و این وجود تفسیر دیگری برای سوره فاتحه، غیر از این تفسیر - با توجه به خلط و ابهام که در اسامی آثار رازی وجود دارد - را ثابت نمی‌کند.

۳. ابن خلکان می‌گوید: «جمع کل غریب و غریبه» ابن تیمیه از مخالفان سرسخت او گفته است: «در این

روی بنای ما به خواست خداوند، نشر آن به اسلوب جدید^(۱) با تفکیک کامل بخش تفسیری آن از بخش های علوم و فنون با ترتیب موضوعی علوم بدون تصرف در مطالب و عبارات کتاب با رعایت اخلاق علمی و حفظ امانت متن می باشد، تا جایگاه و منزلت تفسیری این کتاب عظیم الشان بیشتر روشن گشته و دوستان علوم و معارف خالص قرآنی از فرات آن سیراب شوند و نیز متخصصان علوم و فنون هرکدام به تناسب نیاز و گرایش خویش از معارف آن بهره مند گردند.

دوم: ویژگی های این ترجمه

باب ترجمه آثار گرانسنگ کهن به دلیل بار معنایی متن و تفاوت علمی و فنی مترجمان و اختلاف ذوق، دانش و بینش خوانندگان، و نیز تطور زبان در بستر زمان همواره گشوده خواهد بود و چنین متونی ظرفیت ترجمه های متنوعی را داشته و هر ترجمه ای اثر علمی مستقل و دارای اعتباری ویژه می باشد.

تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) به درستی از نمونه های برترین متون بوده که از چنین ظرفیت وسیعی برخوردار است. با این وصف هیچ ترجمه ای از آن در گذشته گزارش نشده است. لذا این ترجمه و ترجمه آقای دکتر علی اصغر حلبی نخستین ترجمه های فارسی پس از هشت قرن از تاریخ پیدایش تفسیر کبیر می باشد. ولی این دو ترجمه بر اساس مقابله و ارزیابی این جانب و تعدادی از اهل نظر از جهاتی با هم متفاوت و

کتاب همه چیز هست، جز تفسیر» دیگری در جواب او گفته است: «در آن همه چیز است به علاوه تفسیر»؛ ر.ک: الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۲۵۴؛ وفیات الاعیان، ج ۲، ص ۳۸۱.

۱. ارائه کتب گرانسنگ علمی به اسلوب جدید که هم اکنون متداول شده است برای عصری نمودن میراث علمی گذشتگان تنها با ساماندهی مطالب و حفظ و صیانت از متن صورت می گیرد بر خلاف روش های سنتی تلخیص، اختصار، تهذیب، تحریر و برگزیده که با حذف مطالب متن و تغییر مطالب و اضافات همراه است.

متمایز می‌باشند. این تفاوت‌ها هر یک را به صورت دو اثر جدا از هم نمودار ساخته است.

اینک به پاره‌ای از تمایزهای ترجمه حاضر با ترجمه ایشان اشاره می‌شود:
نخست، اختلاف از جهت متن: ترجمه حاضر براساس متن نشر دارالتراث العربیه با تحقیق و تصحیح جمعی از فضلاء مصر، براساس نسخ معتبر و عنوان‌گذاری‌های مفید، تفکیک پاراگراف‌ها و ویرایش فنی صورت گرفته است.

ولی ترجمه آقای حلبی - چنانکه خود ایشان می‌گوید: «براساس چاپ‌های عادی و بازاری و عاری از هرگونه ضبط و ربط اعراب و تحقیق و فهرست است»^(۱)
این اختلاف، فاصله آشکاری میان دو ترجمه، پدید آورده، به گونه‌ای که خواننده با تورق و مقابله ساده در همان صفحات آغازین متوجه کاستی‌های فراوان ترجمه ایشان می‌گردد که اهم آن، سقط عناوین فراوان زیرمجموعه سرفصل‌ها و عدم تفکیک پاراگراف‌ها و فشردگی مطالب می‌باشد؛ برای نمونه مراجعه شود به فصل اول، مقدمه، ص ۶۶-۵۴ که از پنج عنوان گویا و مفید زیرمجموعه فصل، خبری نیست.

به عنوان مثال: مقدمه فصل نخست در متن مصحح به این جمله خاتمه می‌یابد:
«فنقول وبالله التوفیق» و سپس فصل، با این عنوان آغاز می‌شود:
تفسیر الاستعاذه:

ان قولنا: «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم...»

ترجمه آقای حلبی: «... پس می‌گوییم و از خداوند توفیق جوییم - که چون می‌گوییم «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم»

۱. ترجمه تفسیرکبیر، ج ۱، ص ۵۰

این کاستی و درهم آمیختگی با این وضوح در آغاز کار - که معمولاً مورد توجه و دقت فراوان مترجمان است - تا آخر کتاب ادامه یافته است. افزون بر آن موجب حذف پاره‌ای از مطالب مانند ص ۳۴۹ و اختلاف در پاره‌ای از نقل‌ها مانند ص ۳۰۸ و ناهماهنگی در ترتیب، مانند ص ۲۸۹ نیز شده است.

مترجم محترم نیز آگاه بر کاستی‌های ناشی از متون غیر مصحح بوده و از دشواری و صعبانکی کار نالیده‌اند.

دوم، اختلاف در روش: در ترجمه حاضر، سعی بر ترجمه محتوایی بوده، که در آن می‌باید «معانی را به طور کامل از لباس الفاظ «زبان اول» عربی سازد و سپس لباس «زبان دوم» را به طور کامل بپوشاند؛ به گونه‌ای که احساس نشود این کلام ترجمه از زبان دیگری است و این کاری است بسیار دشوار»^(۱)

ولی ترجمه ایشان - به جهت تعلق خاطر فراوان به ساختار متن - به ترجمه تحت‌اللفظی - از نوع «جمله به جمله» و گاه «کلمه به کلمه» - گراییده، مثلاً عناوین کلی ابواب و سرفصل‌های کتاب به همان ساختار عربی متن به صورت جمله فعلیه که در گذشته رایج بوده لفظ به لفظ، خلاف موازین رایج ادبیات نگارشی فارسی، نگهداری شده، به عنوان مثال در ص ۶۶:

فصل دوم مقدمه: «در بیان رهیافت دیگری که دلالت دارد بر این که استنباط مسائل بسیار از الفاظ اندک ممکن است.»

سوم، اختلاف در زبان و شیوه نگارش: ترجمه حاضر - علی‌رغم کثرت اصطلاحات علمی (ادبی، کلامی، فلسفی، فقهی...) که ناگزیر از حفظ آن‌ها بودیم - با رویکرد به زبان معیار، صورت گرفته، از ساختار ادبیات کهن و آوردن تعبیرات نامأنوس پرهیز

۱. ر. ک: قرآن کریم، ترجمه: آیت الله مکارم شیرازی، پیوست.

شده است. اما در آن ترجمه، به جهت کثرت اشتغال مترجم محترم به کتب کهن، تعبیرات نامأنوس چون دِهَاد و گُنَاد و پایندان^(۱) (به جای دهد، نماید و همواره)؛ «رویدادی و روزگاری»^(۲) (به جای حدث و زمان) و جمله‌هایی نظیر «آیا محدث و بی‌وضو آن را می‌تواند بیاساود یا نه»^(۳) فراوان به کار رفته و نیز علی‌رغم اهتمام به کاربرد واژه‌های کهن فارسی به جمله‌های فراوانی بر می‌خوریم که تنها حروف (مانند: فی، من، الی و....) و افعال عموم آن ترجمه شده و جمله‌ها از لباس زبان اول بیرون نیامده و معانی در پرده ابهام فرو رفته‌اند.^(۴)

در اینجا بنا بر توصیه متواضعانه مترجم دانشمند «توقع دارد که اگر ضمن مطالعه به خطا یا ترک‌اولی یا نقصانی برسند، یادداشت فرمایند و این ضعیف را ارشاد کنند تا در آینده به اصلاح کار خود بکوشد»^(۵) به پاره‌هایی از این «ترک‌اولی»ها که به نظر رسیده اشاره می‌شود:

۱. اشتباه معانی اصطلاحی با لغوی: مانند ترجمه اصطلاح فقهی «حنث» و «بر» در دو مورد به گناهکاری و نیکوکاری و در جای دیگر بزهکاری (ص ۸۰ و ۸۲ و ۱۰۰)^(۶).

۲. اشتباه معنای لغوی با معنای عرفی: مانند: ترجمه «حیج» در روایت «فحج آدم موسی ثلاث مرّات» به «سه بار آدم دور سر موسی گشت»! (ص ۱۱۵) و نیز اشتباه در ریشه مصادر مانند: «احتج» از ریشه حاجت و مصدر احتیاج به احتجاج (ص ۱۱۵ و

۱. مراجعه شود، فصل اول، ص ۵۴.

۲. مراجعه شود، ص ۸۳.

۳. مراجعه شود، ص ۳۸۶.

۴. مانند: اسم مشتق از سما یسمواست یعنی علی و ظهر، متن ص ۱۰۴، ترجمه حلبی، ص ۲۳۰.

۵. ص ۵۱.

۶. در اصطلاح فقهی به معنی شکستن پیمان و وفا به آن است.

(۱۱۶) و اشتباه «یشکل» از ریشه اشکل یشکل به معنای مشکل و دشوار به باب تفعیل به معنی «شکل می یابد» (ص ۸۰). و خطا در ترجمه «إِسْتَبَّ الرجلان عند النبی...» (ص ۷۷ متن عربی) از ریشه سَبَّ (ناسزاگویی)، به معنای درخواست توبه، (ر.ک: ص ۱۷۱).

۳. افراط در معنای لغوی: مانند ترجمه «أدون الملائکه» به «فرشته فرومایه» و نیز اشتباه حمل اولی با حمل شایع در عبارت: «إذا وضع لفظ الماهیه»^(۱). (ص ۲۲) این گفت و گو را به پیروی ایشان با این مضمون عالی «الفقه علی مذاهب الاربعه» به نقل علامه مغنیه در «الفقه علی المذاهب الخمسه» خاتمه می دهیم:

«عیبی ندارد که بر این کتاب اشکالی بگیرند و یا انتقاد بکنند، زیرا کمال تنها از آن خدای تعالی است. عیب بر کسی است که خطایی را ببیند و آن را بر صواب ارشاد نکند و راه ننماید و نیز بر کسی که او را به راه درست ارشاد کنند و او خطای خود را اصلاح نکند.»

روش کار

کتاب حاضر - علاوه بر حفظ موازین به کار گرفته شده در متن مصحح مصر - با رعایت امور زیر سامان یافته است:

۱. رعایت موازین علمی و فنی ترجمه با اهتمام به حفظ امانت متن به ویژه آراء علمی و اعتقادی مؤلف.

۲. حفظ اسامی و القاب رجال اعلام دین و جمله های مخصوص درود و ستایش

۱. و نیز خطا در ترجمه ضرب المثل ها مانند مثل سائر «فان المنیت لا أرض قطع ولا ظهر أقی» که در ضمن کلام مؤلف (ص ۲۳۶) به اقتباس از حدیث نبوی آمده است به معنای بی ربط لغوی: «زیرا رویشگاه آن نه زمینی است که سپرده شود و نه ظهری است که باقی ماند» حلبی: ص ۵۲۳.

که نشانه احترام و گرایش مؤلف به آنان است، مانند: «علیه السلام» و «صلوة الله علیه» برای حضرت علی و اهل البیت علیهم السلام، «رضی الله عنه» برای صحابه، «رحمة الله علیه» برای علما و استفاده از نشانه‌های اختصاری (ص)، (ع)، (ض)، (ر).

۳. ساماندهی عناوین باب‌ها، فصل‌ها و زیرمجموعه‌ها، با برگردان جمله‌های طولانی فعلیه، به عناوین کوتاه و گویای اسم مصدری، مطابق موازین رایج عنوان‌گذاری.

۴. افزودن عناوین فرعی در موارد لازم و جداسازی آن‌ها از عناوین اصلی با نشانه قلاب.

۵. ذکر آیات و روایات با ترجمه فارسی در متن، ترجمه آیات بر اساس ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی، ترجمه روایات از خود مترجم.

۶. استخراج احادیث از منابع معتبر فریقین، با استفاده از نرم‌افزار «معجم احادیث شیعه و سنی» (مرکز معجم فقهی).

بنابراین شماره مجلدات و صفحات منابع، مطابق کتب مورد استفاده معجم می‌باشد.

۷. حفظ شماره‌های ابواب، فصول، مسائل و حجت‌ها مطابق اصل و استفاده از شماره‌گذاری عددی و ابجدی و نشانه‌های هندسی، برای واضح‌نمایی متن و رفع ابهام از پاراگراف‌ها و مطالب طولانی.

۸. توضیح اصطلاحات مشکل در پاورقی و معرفی رجال، اعلام، کتب، اماکن، ادیان، مذاهب کلامی و... در پایان کتاب، بخش پیوست‌ها.

۹. تنظیم فهرست ترتیبی، موضوعی و الفبایی علاوه بر فهرست منابع و مأخذ مورد استفاده مترجم.

یادآوری

در پاورقی‌ها از آوردن مطالب انتقادی - اعتقادی به دلایل زیر پرهیز نمودیم:

نخست: وجود انصاف علمی مؤلف در طرح و نقد آرای مخالفانش مانند معتزله و شیعه، به گونه‌ای که برخی این انصاف و وارستگی او از تعصب مذهبی را دلیل اعتقاد پنهان او به اعتزال و یا گرایش او به تشیع دانسته‌اند، مانند فتوا به جهر قرائت «بسم الله» در نماز، مطابق مذهب شیعه امامیه و مخالف مذهب رسمی او (شافعی) و جمهور؛ به این بیان: «من اتخذ علیا اماما لدینه فقد استمسک بالعروة الوثقی فی دینه و نفسه» و بیان دیگر: «و من اقتدی فی دینه بعلی بن ابی طالب رضی الله عنه فقد إهتدی و الدلیل علیه قوله ﷺ اللهم أدر الحق مع علی حیث دار».^(۱)

دوم: احترام او نسبت به ائمه مذاهب اسلامی به خصوص ائمه اهل البیت و تکریم از امام صادق (علیه السلام) در این کتاب؛ او هرچند پاره‌ای از آراء فقهی بعضی از مذاهب را مانند مذهب حنفی به تندی نقد می‌کند، ولی از شخصیت امام مذهب (ابوحنیفه) با احترام و تکریم یاد می‌نماید.

سوم: پرهیز از طرح مباحث کلامی که تنها ارزش تاریخی داشته و اکنون از مسائل زنده اعتقادی مسلمین نیست و نشر آن در حوزه‌های عمومی (فضاهای ملتهب مذهبی) سودمند نمی‌باشد.

سپاسیه

در خاتمه از همه عزیزانی که این اثر، حاصل یاری و همراهی بلکه همدلی ایشان

در طی مراحل فنی و اجرایی تا نشر بوده، تشکر و سپاسگزاری می‌شود، به ویژه دوستان فرهیخته انجمن قرآنی و دوست دانشور جناب آقای مولوی زاده که علی‌رغم کوتاهی این جانب، از آغاز تا انجام با تشویق و معاضدت آن یاران این راه طی شد.^(۱) و همچنین کتابشناس معاصر، سید رضا باقریان موحد که از روی مهر و صمیمانه از هیچ نوع مساعدتی دریغ نورزیدند و از آقای سید ذبیح الله هاشمی‌نژاد و سید ضیاءالدین صدر و فاطمه و معصومه و مریم‌السادات هاشمی‌نژاد که حروفچینی و نمونه‌خوانی این اثر، حاصل لطف آن‌هاست، سپاسگزاری می‌شود؛ و آخر دعوی‌نا ان الحمد لله رب العالمین.

۱. در جامعه مسلمانان استرالیا (مقیم سیدنی - پرت) توفیق زیارت «فئة صالحة» فراهم شد. برخی مردانی که «لأنهم تجارتهم و لا بیع عن ذکر الله» جوانانی که گویا: «إنهم فتنه آمنوا برئهم و زدنهم هدئ» و خانه‌ها و مراکزی که «یذکر فیها اسمہ و یسبح له فیها بالغدو و الأصال» و اینک برخی از آن مؤمنان به لقای پروردگار خویش شتافته‌اند. عاشوا سعیداً و ماتوا سعیداً.